

I-1

Estant assis de nuit secret estude,
Flambe exigue sortant de solitude
Seul reposé fus la selle d'airain;
Feit proferer qui n'est à croire en vain.

نشسته بر مطالعه رازمند برچسبیدن مفاهیم به زمان حال،

تنها آرمیده بر شباهت یافتن نیک رو بودنش ،

بارقه ایی از کنج عزلت خارج میشود،

گزاره ایی پیشش نهاده میشود کسیکه پنداشت خودبزرگ بینی نداشت .

(این رباعی فردی در آخرالزمان را متصور میسازد که وقتی مطالعه حدیثها و روایات آخرالزمان را انجام می دهد مفاهیم آن به واقعیت زمانه می چسبد و جور در میاید و بتدریج شخصیت او به شکل یک شخصیت برگزیده و نیک تبدیل میشود و او در آرامش شباهت یافتن به یک شخصیت نیک رو در آخرالزمان می یابد و این مفهومی است که مانند بارقه ایی که از عزلت در قرنهای متمادی بیرون می آید و گزارش و پیش نهادنی برایش دارد که او شخصیت نیک آخرالزمان است در حالیکه او هرگز کسی نبوده که خود را بزرگ بیندارد و پنداشت خودبزرگ بینی داشته باشد.)

نوستر آداموس می گوید ادبیات عربی داخل زبان فرانسه که میشود کلام جان می گیرد و روح پیدا می کند . لیل=nuit= برچسبیدن بعضی بر بعضی . سرج=selle=نیک رویی . airian=برنج=شبهان و شبهه=شبهه و همانندی .

I-2

La verge en main mise au milieu des branches,
De l'onde il moule le limbe & le pied,
Vn peur & voix fremissent par les manches,
Splendeur diuine, le diuin pres s'assied.

I-2

شاخه اصلي در میان شاخه ها قرار میگیرد،

در شکل گرفتن اصلاح، آن شکل میگیرد با چارچوب و پایه،

يك ترس و آستين گزیدن با لرزیدن صدا،

شکوه ايزدي ، خداوند خيلي نزديك قرار گرفته.

(فرد در ابتدا چند علامت بسیار متقن دارد مثل دیده شدن و صدایش شنیده شدن توسط همه مردم زمین . اینها بعنوان شاخه

اصلي قرار داده میشود در میان نشانه های دیگر که فرعی هستند و یک شکلی از محتوا و مفهوم شکل می گیرد که بطور

قطع نشان می دهد که خدا او را مخاطب ساخته است و شکوه بی انتهای خداوندی در نظرش میاید که او را که ضعیف و

عادی می شمرد خود را مخاطب قرار داده انگار خدا دارد او را نگاه می کند و خیلی نزدیک است . از ترس آستین خود را

به دندان می گزد و لرزش صدای خود را می پوشاند.)

I-3

Quand la lictiere du tourbillon versee,

Et seront faces de leurs manteaux couvers

La republique par gens nouveaux vexee

Lors blancs & rouges ivreront à l'envers

1-3

وقتی بی ارزشی تخت روان (تقدیر دجال) تنظیم و پرداخت شد،

وزیبایی چهره ها پوشانده می شود،

انتشار برای همه بوسیله دستجات جدید به زحمت و رنج می افتد،

مادامیکه خوب ها و از خشم قرمز شده ها به روی دیگر سکه قسم می خورند.

(وقتی آن فرد که مطالعاتش باعث میشود رموزی آشکار شود و بر روی نظر همگان اثر گذاشته و نظریه جدیدی که ارائه میشود می گوید این تخت روان سرنوشت چیز باطلی است و آشغال و بی ارزش است باعث میشود زیباییهایی که چهره ها یافته بوده پوشانده شود و این باعث رنج افتادن او میشود مادامیکه اونهایی که خوب شمرده میدند و از خشم سرخ شده اند قسم می خورند به چیز دیگر - ردا=زیبایی --- سفید=بیض= خوب و ممتاز)

I-4

Par l'univers sera fait un monarque,
Qu'en paix & vie ne sera longuement,
Lors se perdra la piscature barque,
Sera regie en plus grand detriment.

I-4

بوسیله دنیا فرمانروای یگانه ایی ساخته می شود،
که مدت طولانی در صلح و آرامش و سرزندگی نخواهد بود،
مادامیکه کشتی صیدش را خراب کند و از دست بدهد،
برای خسارات بزرگتری مدیریت می شود .

(این نشان می دهد که تمام برداشتها از پیشگوییهای نوسترآداموس نادرست بوده . این نشان می دهد نوسترآداموس حوزه پیشگوییهایش مربوط به زمانی خاص است که یک فرمانده جهانی برای دنیا توسط همین مردم دنیا ساخته می شود . خودشان میسازند ، خودشان می خواهند و این فرمانده جهانی بی مروت نیست کشتی خودش را خراب می کند و به جنگ خدایان دروغین می رود . وقتی نوسترآداموس در رباعی دیگری صحبت از خدایان و پیشنویس جنگ جهانی اشان می کند پیشگوییهای او جنبه ایدئولوژیک و مذهبی دارد او کاری به فلان ملکه یا فلان پادشاه در قرون گذشته و حال ندارد که قر کمرشان چقدر بوده و چه اتفاقی می افتد و چه جنگی اتفاق می افتد).

I-5

Chassez seront pour faire long combat

les pays seront plus fort greuez:

Bourg & cité auront plus grand debat.

Carcas. Narbonne auront coeur esprouuez

I-5

شکار کنندگان برای انجام دادن مبارزه طولانی می کنند،

بوسیله اداره کردن، برخورد قویتری خواهند داشت ،

بنای دژ و قانون پاداش و مجازات ، بیشترین کشمکش را خواهند داشت ،

کسانیکه مدل و چارچوب آنها بنظر میرسد انتهای داستان خوب باشد، تلاش از ته دل دارند .

I-6

L'oeil de Rauenne sera destitué,

Quand à ses pieds les aisles failliront:

Les deux de Bresse auront constitué,

Turin, Verseil que Gaulois fouleront.

دیدگاه نامانوس و نامالوف پس زده و کنار گذاشته میشود.

مادامیکه پیشی گرفتن و تقدم یافتنش از دیگران حمایت و پناه را غیر وفادار و غیر ملتزم میکند.

ممانعت و تقض عهدی خیانتکارانه شکل میابد.

مود پیروزی قافیه سازی و نظم در آوردن که باعث میشود با آن وابستگان قلاب ماهیگیری لگدمال کنند

در اینجا اشاره به این است که دیدگاه یا چشمه بینایی غراب برکنار میشود. غراب از ریشه غرب میتواند به معنای تازه و غیر مالوف بنظر آینده باشد یعنی همان قرآن جدید و اسلام جدید مهدی موعود که چون مردم فقط به پیشی گرفتن خود در بازی تقدیر متوجه هستند و این دید جدید و نامانوس به کلام خدا، در بازی تقدیر پیشی گرفتن و تقدم یافتن را به مهدی می دهد، آن حمایت و پناهی که باید نسبت به کلمه اصل و حقیقی خداوند بوجود بیاید و التزام و وفاداری را بسازد بوجود نیاید و آن دید جدید غیر مالوف حضرت مهدی را مرخص و پس میزنند. و فقط این نیست بلکه سعی در ممانعت و برگرداندن آنحضرت از مسیر الهی و شخصیت حقیقی و ظهورش و ظهور کلام الهی با نقص عهد و خیانتکاری میکنند و مود پیروزی خود را طبق قافیه ها که نظم میدهند برای صید پیروزی که در جهت صید آنجناب است بسازند و این مود پیروزی را در قافیه شکار ایشان دیدن است که کلمه الهی و امر ایشان را پایمال میکنند.

1-7

Tard arrivé l'execution faite,
Le vent contraire, lettres au chemin prises
Les conjurez quatorze d'une fete,
Par le Rosseau senez les entreprises.

1-7

دیر رسیدند به نوک قله عمل،

باد مخالف، نامه ها در راه گرفته شده،

توطئه گران بخاطر جلوگیری آن از دلخوش داری به یک طرح شادی آفرین،

با قلاب، بذر اقدامها و بیعتها را می کارند.

I-8

Combien de fois prinse cité solaire,
Seras changeant ses loix barbares & vaines:
Ton mal s'approche. Plus seras tributaries,
Le grand Hardie recouvrira tes veines.

I-8

چند بار گرفتار قانون پاداش و مجازات شمس شوی.
تحت تاثیر قانون وحشی و باطلشان دست بدست شوی.
گرفتاری و بد بیاری به تو نزدیک میشود باجگیری بیشتر میشود.
بی باکی و سرسختی بزرگت هم قافیه شدگی را بازیابی میکند.

شهر شمس همان مدینه شمس است و مدینه از دین میاید یعنی مجموعه ای که طبق قوانین خودشان مزد کار را میدهند
پاداش میدهند و مجازات میکنند پس شهر شمس همان قانون پاداش و مجازاتی است که شمس ساخته است . شمس کیست؟
خورشید یا همان شمس موجودیتی است در آخرالزمان که تسبیح و تهلل او فرا گیر میشود و برای مردم قدر قرار
میدهد و مطابق فحوای رباعیات نوستر آداموس همین خدایان یا الهه است که البته شیطان هم نام برده شده است . و اما
معنی شمس چیست ؟ شمس در ریشه لغت به معنای تهمت و رانش متقابل . پس چون صفت این الهه این است که مردم را به
تهمت و رانش مقابل همدیگر و ا می دارد شمس نامیده شده است . و اما نوستر آداموس به شخص خاصی که با خدایان
دروغین یا شمس مبارزه می کند می گوید چقدر گرفتار قانون کیفر و پاداش شمس شوی و طبق قانون وحشیانه و باطل
این ابلهان و وحشی ها که به آن معتقدند دست بدست میشوی و دوران بدی تو نزدیک میشود و باجگیری از تو بیشتر
میشود و در پایان میگوید تهور بزرگ تو و سرسختی و تلاش پیگیری در مبارزه با خدایان باطل باعث میشود که هم

قافیگی واقعیت با تجسمات ذهنی باطل و بد در باره تو احیا شود یا با هماهنگی همپوشانی شود . ورید از ریشه ورد است و توارد یعنی هم قافیه شعری همانند را همزمان بسرایند. پس هم قافیگی او میتواند در جهت نشانه های بد احیا شود .

I-9

De l'Orient viendra le cœur Punique,
Facher Hadrie & les hoirs Romulides,
Accompagné de la classe Libique
Trembler Mellites, & proches Isles vuides.

I-9

از شرق ترسی بی اساس و دروغین میاید،

خشمی در تاریکی و ارثیه های رومولوس،

(رمولوس بنیانگذار اساطیری روم بود که ابتدا اسیر بودند و جادوگران مرگ آنها را نوشته بودند و او بر علیه جادوگران و دشمنان جنگید و مردمش را آزاد کرد و یک ملت قوی تشکیل داد ولی مردمش به او خیانت کرده و به جادوی جادوگران او را کشتند)

همراهی شده با کلاس دوستداری،

لرزاندنی شیرین و نزدیک شدن به شاخصه های منظر.

رمولوس فردی شجاع بود که با جنگیدنهای متهورانه با جادوپرستان و معتقدان به بتها و خدایان موهوم قوم خود را از بردگی و اسارت نجات بخشید ولی همین قوم همراه شدند با جادو و او را کشتند . افسانه ایی است که ساختن شهر رم را توضیح می دهد . و در زمان پیشگویی شده نوسترآداموس پادشاهی که از طرف مردم جهان ساخته و پرداخته شده دچار خشمی ناشی از تاریک بودن میشود و همراه با نوعی دوستداری پیروزی خیالی را به قوم خود می دهد بر علیه کسانی که بر آنها خشم گرفته . نتیجتا ترسی دروغین و تقلبی برای آن مردمان میاید . لرزاندن آنها شیرین است هم برای او و هم دیگران وقتی به شاخصه های طرح و منظر خاص نزدیک می سازد. ظاهرا اینطور که بر میاید او هم به مانند رومولوس در ادامه مسیر تغییر روش

می دهد و با جادو و بتها و خدایان موهوم می جنگد و به خدای یگانه میخواند ولی گرفتار جادوپرستی و بت و خدایان موهوم پرستی و خیانت قومش میشود .

I 10

Serpens transmis dans la cage de fer,
Oú les enfans septains du Roy sont pris
Les vieux & peres sortiront bas d'enfer,
Ains mourir voir de son fruit mort & cris.

I-10

شیطان می فرستد درون قفس آهنی،
جایی که آنچه زاده شده از سخنچینی و دروغ پادشاه ماخذ برای اقتباس گرفته شده،
کسانیکه وابسته به تجسمات قدیم هستند و بوجود آورندگان از عمق جهنم خارج میشوند،
چه جانگداز است دیدن زاده مرگ، و سرایش ها.

I-11

Le mouvement de sens, cœur, pieds & mains
Seront d'accord, Naples, Leon, Secile.
Glaives, feux, eaux, puis aux nobles Romains
Plongez, tuez, morts par cerueau debile.

I-11

به جنبش در آمدن بوسيله حسها ، دروغها ، پيشي گرفتنها ، و مورد لطف واقع شدن ،
آنها دنبال مي کنند تا محصول بچينند و برتر و غالب شوند و جايزه شرايط جديد را از خود کنند ،
کسانیکه میخواهند ماهی بگیرند ، حکم ورای و نشان ، جوهر معنا ،
بهبودی بخشی نجیبانه را از جا می کند ،
فروبردن دیگران ، محوساختن اثرها ، مرگ ، بوسيله احمقها ،

I-12

Dans peu dira fauce brute fragile,
De bas en haut, efleué promptement,
Puis en intant desloayale & labile,
Qui de Veronne aura gouuernement.

I-12

گفته شود که هیاهوی بی اساس و اشتباهی است که زود در هم خواهد شکست ،
سریعا اوج گرفته به بالاترین درجات می رسد ،
سپس در یک مقطعی غیر وفادار و ناپایدار می شود ،
او که بر اساس تصویر درست و حقیقی ، حکمرانی خواهد داشت .

1-I 3

I 13

Les Exilez par ire, haine intestine
Feront au Roy grand coniuration :

Secret mettront ennemis par la mine.

Et ses vieux siens contre eux sedition.

I-13

جدا و دور و تبعید شده ها در میان خشم درونی و نفرت ،

بر علیه پادشاه توطئه بزرگی میسازند،

در جریان استخراج (مفاهیم کلام الهی از کتب)، دشمنان، راز و سرّ را قرار می دهند

و در جریان توطئه اشان افراد پیر خانواده و فامیل بعنوان تقابل در نظر گرفته میشوند.

(مهدی موعود را مظلومی نامیده اند که خانواده اش از او دور و تبعید هستند).

I -14

De gens esclave, chansons, chants & requestes

Captifs par Princes & Seigneur aux prisons.

A l'aduenir par idiots sans testes,

Seront receus par diuins oraisons.

I-14

از دسته های بردگان ، سرودها و آواها ، و درخواستها،

اسیران در میان کسانی که به دروغ و واهی بطور علامتی در آینده چیره سرنوشت هستند و اربابان زندان،

در جهت وقوع سرنوشت از پیش رقم خورده ، توسط تهی مغزان،

مشاهده میشود بعنوان درخواست و دعا از خدایان ،(دجال).

I-15

Mars nous menace par la force bellique,
Septante fois fera le sang expandre :
Auge & ruyne de l'Ecclesiastique,
Et plus ceux qui d'eux rien voudront entendre.

I-15

الیه جنگ ما را با قدرت جنگ افروزیش تهدید می کند،
باعث میشود رنگ دروغ و سخنچینی افشانده و گسترده شود،
راه سرنوشت سازی ، و تباهی پرستش گاههای خدایی،
و بدتر اینکه نمی خواهند در اینجهت هیچ بشنوند .

I- 16

Faux à l'estang, joint vers le Sagittaire,
En son haut AUGE de l'exaltation,
Peste, famine, mort de main militaire,
Le siecle approche de renovation.

I-16

دروغهای بی اساس بطرف ثبوت و ماندگاری می رود وقتی اندازه سازی مطابق میشود،
در بلندای به رشته درآمدن تقدیر تمجیدگراو،
طعن کنندگی ، حس قحط و کمبود (چیزهایی که دلخوش کننده) مردن انعام و احسانی که در هجوم
نظامی است ،

ردیف شدن نشانه ها بطور هماهنگ نزدیک میشود تا حدی که نوسازی آید،

I-17

Par quarante ans l'iris n'apparoistra.

Par quarante ans tous les iours fera veu

La terre aride en siccite croistra

Et grands deluges quand sera apperceve.

I-17

با قرنطینه نمایه ممتاز (حکمت)، منظر و دید آشکار نمیشود،

نمایه های هماهنگ دیگر بطور روشن و ممتاز به فراوان دیده میشود،

نشانه هایی که وقتی ردیف میشوند و دور هم آرایش می گیرند در خشکی خشکتر میشوند،

و سیلابهای فهم بزرگی راه میفتد وقتی رابطه بین چیزهایی که از قبل به ذهنشان رسیده بوده و حالا می بینند ایجاد می شود.

{ کلام خدا در سلطه دجال در خشکی و قحطی بخاطر قرنطینه ، نمایه های دیگر ، تابان میشود فراوان ، وقتی آن مرد بسراغ کتاب و حدیث می رود سیلاب درک در اذهان بجریان می افتد وقتی یاد میارند آنچه از قبل دیده بوده اند. }

I-18

Par la discorde negligence Gauloise,
Sera passage à Mahomet ouvert
De sang trempé la terre & mer Senoise
Le port Phocen de voiles & nefes couvert.

I-18

در میان اعمال ناسازگار کسانیکه میخواهند با قلاب ، ماهی بگیرند،
راه کلام حضرت محمد گشوده میشود ،
نشانه هایی که وقتی دور هم جمع میشود حق را می سازند در رنگ خیس می خورند و احساسات متحیرانه،
باب نگاه زیر چشمی به کتاب سرنوشت با حجابها و کشتیهای بسیار زینتی پوشانده میشود.

I- 19

Lors que Serpens viendront à circur l'are
Le sang Troyen vexé par les Espagnes,
Par eux grans nombre en sera faicte rare,
Chef fuit, caché aux mares dans les saignes.

I-19

مادامیکه شیاطین بیایند برای اداره و گرداندن اندازه طبق قیاس،
رنگ حقه بازانه لای گذاریان ، توسط خورشید پرستان رنجانده میشود،
بخاطر تعداد زیاد مورد ،در حقیقت گنجیدنش کم است،
رئیس می گریزد و در مرداب در سایه نشانه ها پنهان میشود.
{دجال یا همان شمس از عریان شدن توسط کلام خدا که در اذهان تلاوت میشود فرار می کند}.

I 20

Tours, Orleans, Blois, Angers, Reims & Nantes

Citez vexées par fubut changement :

Par langues eftranges feront tendués tentes,

Fleuves, dards, Renes, terre & mer tremblement.

I-20

جهت دهندگان ، طلایی شدگان ، گرگ ، نقشه کشان، برتر شدگان ، و در حال غرق شدن ها

خود را برندگان در قانون جایزه ای که با تغییر ناگهانی صدمه دیده می بینند،

از زبان غریب و نا آشنا ، بشدت بیزارند،

جریان روشنائی ، آموزش با متد جدید ، مهار ، نشانه هایی که گرد هم جمع شده آرایش می گیرند همزمان
با نشانه هایی که در غفلت از تعقل به چشم میایینند به لرزش در میایند.

I 21

Profonde argille blanche nourrir rocher

Qui d'un abysme y stra lacticineuse :

En vain troubles ne l'oseront toucher,

Ignorans estre au fond terre arguilleuse.

I-21

خود دور داشتن علیرغم میل (به فهمیدن کلام خدا) برای عالی بودن در عمق تغذیه می کند رام شدن را،

آنچه در ژرفنا شیردهی می کند،

در زحمت بیهوده ای ، جراثیم لمس ندارند،

آنها نمی دانند که در اصل و اساس نشانه هایی ردیف شده هستند که خود را از لمس آن دور نگاه می دارند

I-22

Ce que vivra & n'ayant aucun sens,

Viendra leser à mort son artifice.

Authun, Chaalon, Langres & les deux Sens,

La gresle & glace fera grand malefice.

I-22

کسیکه زندگی کند بدون اینکه هیچ حس انگیزی داشته باشد،

بطرف نقصان تا مرگ پیش می رود نوآوریش،

پیشی گرفتن در صید، سست شدن و شل گذاشتن، پیچیده و قنداق شدن در چیزی، و احساسات دوگانه،

ثابت شدن حق کسی و روشن شدن آن مصیبت بزرگی می شود.

I-23

Au maoy troisiesme se leuant du Soleil,

Sanglier, Liepard au champ Mars pour combattre

Liepard laissé, au ciel extend son œil,

Vn Aigle autour du solei voir s'esbatre.

I-23

در شهرت یافتن موارد جداسازی حق از باطل (که پادشاه طبق کلام الهی انجام می دهد) بالا گرفتن راندن
به تهمت هم ایجاد می شود،

نگاه با گوشه چشم به تصویرهای سابق در ذهن ایجاد شده بطور خالص محاسبه میشود توسط الهه
جنگ برای درگیری سازی،

محاسبه خالص (کلام خدا) رها و یله گذاشته می شود، در طرح شناسه دار چشم حقیقت آن توسعه
میابد (با ادامه مطالعه پادشاه)

یک تصویر جانشین عقوبت کننده همراه راندن به تهمت دیده میشود که شکل می گیرد.

I 24

A Cité neufue pensif pour condamner,
L'oyse de proye au ciel, se vient offrir
Après victoire à captifs pardonner,
Cremone & Mantoue grand maux aura à souffrir.

I-24

درقانون پاداش و مجازات جدید اندیشناک برای محکوم شدن،
فال و طالع شکارگر در طرحی شناسه دار برای پیشنهاد میاید،
بعد از پیروزی ، عذرخواهی از اسیران،
نام درخور و زیبایی درخشان که رنج می دهد گرفتاری بزرگ دارد.

I -25

Perdu, trouué, caché de si long siecle,
Sera pasteur demy Dieu honoré,
Ains que la Lune acheve son grand cycle,
Par autres vieux sera deshonoré.

I-25

گم بوده یافته میشود، آنچه پنهان در قرون طولانی بوده،
کسی که مردم را می چراند حرمت افراد نیمه خدایی می یابد،
زمانیکه ماه دوره بزرگ خود را تکمیل میکند،
بوسیله شایعات مفت دیگر بی حرمت میشود.

مهدی موعود را از اینجهت مهدی می گویند که هدایت می شود به امری که نه تنها بر مردم مظلول بود
که بر خودش هم مظلول (یا گم وپنهان) بود. او بر فراش غیظش می میرد . یعنی اینکه آن حرمت پیدا

شده از امر خدا و موعود بودنش از بین می رود. ولی حقیقتاً او مهدی است و تا امرش تکمیل نشود از بین نمی رود.

I 26

Le grand du foudre tombe d'heure diurne,

Mal & predit par porteur postulaire,

Suyuant presage tombe d'heure nocturne

Conflit, Reims, Londres, Etrusque pestfere.

مرد بزرگ توسط براق شدنی که منجر به بی توجهی به حقش می شود فرو می افتد،

شرّ و پیش بینی توسط حامل و به ظهور رساننده موضوعی که مشخص شده ،

بدنبال علائم موضوعی که مشخص شده افتادن از بی توجهی به او ناشی از مفهومیهای چسبیده به این موضوع میشود،

ستیز ، برتر بودن ، جایزه بازی قمار ، محاسبات غیر عقلانی، باعث خشم مداوم است.

1-27

Dessous de chaine Guien du Ciel frappé,

Non loing de là, caché le thresor,

Qui par long siecles auoit esté grappé,

Trouué mourra, l'œil creué de ressort.

تحت زنجیره نشانه های طرح شناسایی دهنده ، موجود ناپیدا (جن) زیر ضربات قرار می گیرد،

نه چندان به دور از آنجا که ذخایر نشانه های نهان شده می باشد،

آنچه که در سده های طولانی (پیوست کردنهای طولانی) جمع و فراهم آمده است،

اینطور معلوم است که خواهد مرد(جن) ، چشمه پتانسیل قدرت سوراخ و به فنا رفته .

I 28

La tour de Bouq craindra fuste Barbare

Vn temps, long temps apres barque hesperique,

Bestail, gens, meubles tuous deux ferot grand'tare

Taurus & Libra quelle mortelle picque.

I-28

تور بدبوی لاف پیروزی زنی بربرها می ترساند،

زمانی دراز بعد از قایق امیدواری،

به نمایش درآوردن ، دستجات، تمام مانعهایی که نقص در دیدگاه را می نمایند می پوشاند،

نمایش درآوردن و میزان . چه نیش و طعن جانسوزی.

I 29

Quand le poisson terrestre, & aquatique

Par forte vague au grauier sera mis,

Sa forme estrange, suaue & horrifique,

Par mer aux murs bien tost les ennemys.

I-29

وقتی موجود شکارگر که دور طعمه می چرخد تا شکار کند بر اساس غفلت از تمرکز و عدم تعقل شما مهر میافریند در شما،

در میان قدرت ابهام آفرینش در میان قلوه سنگها جای گرفته شده است ،

فرمهایی که ارائه می دهد شگفت انگیز است ، بسیار دلنشین و یا مهیب،

در پشت دیوار حیرت و شگفتی ، خیلی زود یک دشمن خواهد بود.

I 30

La nef estrange par le tourment marin,

Abordera pres de port incogneu,

Nonobstant signes du rameau palmerin,

Apres mort, pille, bon auis tard venu,

I-30

کشتی ناشناس بوسیله طوفان حسهای غیرمعقول،

نزدیک میشود به باب ناشناخته ای،

بدون توجه داشتن به نشانه های رمزی ،

بعد ، مرگ و چپاول. توصیه های خوب خیلی دیر فرا می رسد.

I 31

Tant d'ans les guerres, en Gaule dureront

Outre la course du Castulon Monarque,

Victoire incerte trois grands couronneront

Aigle, Coq, Lune, Lyon, Soleil en marque.

I-31

از سالی که ستیزها با طعمه و قلاب ، دردناک میشود،

دوره دیگری از سلطنت مطلقه شروع می شود،

پیروزی پا در هوا و کوشش بزرگ در حق نشان دهندگی خود و باطل نشان دهندگی دیگری حاکم میشود.
جانشین شوندگی، احساسات مهرا فزا، آنچه اساس بردن در بازی قمارگونه است، نشان چیره و غالب
شدگی، راندن دیگری، نشانه های حسابگری است.

I 32

Le grand empire sera tost translaté
En lieu petit, qui bien tost viendra croistre
Lieu bien infime, d'exigué comté.
Ou au milieu viendra poser son Sceptre.

I-32

امپراطوری بزرگ خیلی زود تغییر ماهیت می دهد،
در یک موقعیت باریک و کوچک (غیبت) بسرعت رو به گسترش میاورد،
موقعیتی کاملاً زننده و شرّ و بی حرمت از یک بخش باریک،
جایی از میدان که میاید برای جا گذاری مایه جمع آوری و قدرتش .

I 33

Pres d'un grand pont de plaine spacieuse,
Le grand lyon par forces Cesarees
Fera abbatre hors cité rigoureuse
par effroy porte luy seront resserrees.

در حالیکه فاصله عمیقی بین او و مردم هست در مورد یک طرح بسیار گسترده (از کلام الهی)،
فرد دانا و غالب در میان نیروهای ناشی از قواعد خدایان (دجال)،
مطالعه اکتشافی خود را در میان قاعده مجازات شدید انجام می دهد،

در میان غوغا و سلب آرامش ، با خود را آشکار ساختن، آنها بطور فزاینده ای در حالت پس زدن و راندن می مانند

I 34

L'oyseau de proye volant à la fenestre,
Auant conflit fait aux François parure.
L'vn bon prendra, l'autre ambigue sinistre,
La partie foible tiendra par bonne augure.

I-34

فال و سرنوشت شکارگر بال می گشاید به پنجره باز شده،
در پیشاپیش پیشگیری و پدافند زدن در اثر ستیز و درگیری با فرانسویها ،
یکی آنرا نشانه فال خوش می گیرد، دیگری نشانه مبهم و شیطانی می بیند،
گروه سست و ضعیف بعنوان فال خوب می گیرد.

I 35

Le Lyon ieune, le vieux surmontera,
En champ bellique par singuliere duelle,
Dans cage d'or les yeux luy creuera,
Deux classes vne, pour mourir mort cruelle.

I-35

جوان دانا و چیره در نشانه های کهن بر فراز آید،

در دسته بندی جنگ گونه با دوئل به تنهایی (با دجال)
درون قفس طلایی دید راجع به خودش را از دست می دهد،
دو کلاس متحد میشوند برای میراندن ، مرگی ظالمانه .

I 36

Tard le Monarque fe viendra repentir
De n'auoir mis à mort fon aduerfaire.
Mais viendra bien à plus haut confentir,
Que tout son sang par mort sera défaire.

I-36

خیلی دیر فرمانروای یگانه پشیمان میشود ،
که دشمن خود را در مرگ نگذاشته است،
ولی او میاید به کاملاً گردن نهادنی بالاتر،
چیزیکه تمام رنگش توسط مرگ بی اثر میشود،

I 37

Vn peu deuant que le Soleil s'absconse
Conflit donné, grand peuple dubieux.
Profligez port marin ne fait response.
Pont & sepulchre en deux estranges lieux.

I-37

کمی پیش از آنکه شمس ، شناسایی خودش را مبهم و دشوار سازد،

ستیز و درگیری عطا شده ، گروه کثیری از مردم در شک ،
بازداشتن کسانیکه شیفته هستند از اعمال غیرمنطقی و غیر عقلانی ، جواب نمی دهد،
پل و زیر نور شکارچی بودن در محیطی غریب ، مانع شونده است .

I 38

Le Sol & l'Aigle au vi¢teur paroistront.

Response vaine au vaincu lon asseure.

Par cor ne cris harnois n'arresteront.

Vindi¢te. paix par mort s'acheve à l'heure.

I-38

طلا و طرح جانشین در واکاوی پیوستهای (کلمه الهی) پدیدار می شود،
پاسخی میان تهی آنها را قانع و مطمئن می کند،
در میان هیجان ترومپت هیچ مهار و بستی آنها را باز نمی ایستاند،
داد خود گرفتن و واکاوی کردن با آرامش در میان مرگ در حالت سرخودچریدن مردم انجام میشود.

I 39

De nuict dan le lict le supreme estrangale

Pour trop avoir subiourné blond esleu

Par trois l'Empire subroge exangle,

A mort mettra carte, paquet ne leu.

I-39

بر اساس مفهوم ضمیمه برخی از حوادث، شخص اول مملکت مجبور به سکوت خواهد شد،
به دلیل اینکه ادعا و شهادت دروغ رسوا و برملاي افراد ترغیب شده علیه فرد برگزیده بیش از حد است،
با عمل تمایز بین حق و باطل، جایگزین کردن در امپراطوری بیرون کشیده میشود،
نقشه دست آنها را باز گذاشتن در مرگ قرار می گیرد، طرح انجام نمی شود.

I 40

La trombe fausse dissimulant folie,

Fera Bisanse vn changement de loix,

Hystra d'Egypte qui veut que l'on deslie

Edict changeant monnoyes & alloix.

I-40

ترومپت ناراستین ، از روی غیظ و جنون آنی بودن حرفها، را (از مردم) پنهان می کند،

غیبت و سخنچینی تغییر در قانون حکمفرمایی ایجاد می کند،

استخراج هیستریک از کسی که میخواهد جدا و آزاد باشد،

رای خودسرانه تغییر دادن ارزشها و ناخالص و آلیاژی ساختنها.

I 41

Siege en Cité & de nuict assaillie

Peu eschappez non loing de mer conflit,

Femme de ioye, retours fils defaillie,

Poison & lettte cachée dans le olic.

I-41

بست نشسته بر علیه قانون پاداش و مجازات و هجوم معانی که به رفتار نشسته،

کم فرار می کند و دور نمیشود از محیط تفکرات غیر منطقی،

فرد دارای پوشش رنگی شده، از خوشی غش می کند که سازه نیکش دارد باز می گردد،

موضوعی که معنای ثانویه و دوگانه دارد هم کلام (خدا) را دارد هم سمّ در لفافه آن پنهان است.

I 42

Les dix Kalendes d'Auril de fait Gotique

Ressuscité encor par gens malins,

Le feu estaint, assemblee diabolique,

Cerchant les os du d'Amant & Pselin,

I-42

اعتقاد بخرافات در باره ماه آوریل که ساختن سرنوشت با عمل روی رازهای جادویی، شدنی است،

دوباره احیاء میشود توسط مردم موزی و پلید،

نشانه های لکه کردن سرهم بندی میشود بسیار ظالمانه و شیطانی،

در جستجوی طرح رفیقه داشتن ماه p.

I 43

Avant qu'aduienne le changement d'Empire,
Il aduiendra vn cas bien merueilleux,
Le champ mué, le piller de Porphire
Mis translaté sur le rocher noisleux.

I-43

قبل از اینکه تغییر در امپراطوری بیاید،
یک سقوط کاملاً خارق العاده (غیبت و سخنچینی) پیش میاید،
دسته بندی ها تغییر شکل می دهند و هجوم آلازیم،
تحت ترجمه قرار خواهد گرفت در میان هیاهوی لوکس و طلایی .

I 44

En bref seront de retour sacrifices,
Contreuenans seront mis à martyre,
Plus ne seront Moines, Abbez, Nouices,
Le miel sera beaucoup plus cher que cire.

I-44

بعد از مدت کوتاهی به قربانی کردن باز می گردند،
ناگروندگان در شهادت و شکنجه گذاشته میشوند،
بیش از این طبقات مختلف روحانیت بر اساس خود نمی مانند،
عسل خیلی عزیزتر از موم است .

(دجال همچنان مدعی خدایی است و هدایت مهدی تاثیرکافی نمی گذارد و مردمان پیرو دجال دوباره به قربانی کردن و شهادت و شکنجه مومنان به خدا باز می گردند طبقه روحانی هم چه کشیش چه غیره با وجود حس کردن اینها از ترس دجال سکوت می کند و زندگی راحت را عزیزتر می شمروند.)

I 45

Secteur de sectes grand peine au delateur,
Beste en Theatre, dressé le ieu scenique,
Du faict inique ennobly l'inuenteur,
Par sectes, monde confus & scismatique,

I-45

بخش بخش کردن مردم و نمایان ساختن آنها در سخنچینی درد بزرگی است،
به مانند حیوان در تئاتر بازیگر صحنه لباس بازی می پوشند،
از یک امر بی انصافانه و غیر واقعی بدلسازی برای آبرودار شدن،
بوسیله گروهها دنیا در حالت سردرگمی و جدایی از حقیقت.

I-46

Tout aupres d'Aux, de Lectore & Mirande,
Grand feu du Ciel en trois nuicts tombera,
Cuase aduiendra bien stupende & mirande,
Bien peu apres la terre tremblera.

I-46

سخنران مذهبی خیلی به آنها نزدیک است و شگفت انگیز (ترجمه از کلام خدا)،
رای و نشانه بزرگی از طرح شاخص که مشخصات این زمان به آن چسبیده و حق را از باطل جدا میسازد
به آنها داده میشود،
زدودن آن بصورت کاملاً عجیب و بهت آور (توسط شیطان) خواهد آمد،
خیلی زود بعد از آن نشانه هایی که دور هم جمع شده افراد را زیبا میاید می لرزند.

(طبق حدیث ، مهدی موعود خیلی به مردم نزدیک است و صدایش گویی از نزدیک به آنها می رسد و همه او را در شهر خود می انگارند- شیطان بدینجهت مارد خوانده شده که معنای کلام خدا را که مهدی بیان می دارد { می مالاند و می زداید)

I 47

Du Lac Leman, les sermons fascheront.

Des iours seront reduicts par les sepmaines,

Puis mois, puis an, puis tous deffailliront

Les Magistrats damneront les loix vaines.

I-47

از پولیش زدن به موضوع رفیقه گی و معشوق ، سخنرانان مذهبی خشمگین خواهند شد،

از دروغ و سخنچینیها نمایه هماهنگ ایماء دارنده ، ناقص میشود،

سپس شهرت یافتن ، سپس نمایه متمایز و ممتاز، سپس همه درمانده میشوند،

قضات وکلانتریها، قانونهای بیهوده و پوچ را لعنت می کنند.

I 48

Vingt ans du regne de la Lune passez,

Sept mil ans autre tiendra sa Monarchie :

Quand le Soleil prendra ses iours lassez,

Lors accomplit & mine ma prophetie.

I-48

دوران حکومت دلخوشیهای " ماه " می گذرد،

دیگر دورانش را در حکومت مطلقه خود بدست می گیرد که تالیف معنی دیگر (از کلمه) بطور ممتاز و تابان می باشد،

زمانیکه شمس (اساس تهمت را به طرف هم راندن) بر می گیرد نمایه های هماهنگ ایماء دارنده اش را برای ملول و بیزار ساختن ،

مادامیکه تکمیل کند و پیشگوییهای من را استخراج و واکاوی نماید.

I 49

Beaucoup, beaucoup auant telles menees,
Ceux d'Orient, par la vertu Lunaire,
L'an mil sept cens seront grands emmenees,
Subiugant presque le coing Aquilonaire.

I-49

خیلی خیلی زمانها قبل که چنین شود
مردم شرق تحت فضیلت و حماسه آفرینی ماه بودند،
جفت و جور ساختن و تالیف ممتاز از پیوست ساختنها که معنایی دیگر می دهد نقطه نظر راجع به بزرگان
را طوری دیگری می کند
تحت سلطه در میاید نزدیک به ندای عاشقانه شمائل سنتی.

I 50

De l'aquatique triplicité naistra,
D'vn qui fera le leudy pour sa feste.
Son bruit, los, regne, sa puissance croistra,
Par terre & mer,aux Oriens tempeste.

او در یک محیط که درک و شناسایی فقط با جوهر معناست و خوب از بد تشخیص داده میشود زاده
میشود،

کسیکه ایماء هماهنگ خدای عدالت را نیکی و شجاع شدن خود قرار می دهد،
آوازه اش ، بدنه شناسایی اش ، حکومت ، توانایی اش گسترش میابد،
در میان نشانه هایی که آرایش میابد و محیط عدم تمرکز فکری ، بلوای مردم شرق .

I 51

Chef d'Aries, Iupiter & Saturne,

Dieu eternel quelles mutations !

Puis apres long siecle son malin temps

(tetourne,

Gaule & Italie, quelles emotions.

مدیر تغییر ظاهری معنا ، خدای عدالت ، و مظهر بذر افشانی ،

ای خدای ازلی و ابدی چقدر تغییر در ظاهر اسامی ؟

بعد از دوران طولانی بدخیمی برای او چه شانس برای خوشبختی او خواهی آورد؟

قلاب ماهیگیری و نشانه ها (از کتب مقدس) ، چقدر احساسات !

I 52

Les deux malins de Scorpion conioints,

Le grand Seigneur meurtry dedans sa salle,

Peste à l'Eglise par le nouveau Roy ioints,

L'Europe basse & Septentrional.

دو نشانه بدخیم در برج عقرب به هم متصل می شوند،

شهید شدن ارباب بزرگ در حال خانه اش،

طعنه به کلیسا وارد می شود در میان نشانه های تازه که به پادشاه وصل می شود،

پستی اروپا و وابستگی اش به دروغ و سخنچینی .

I 53

Las qu'on verra grand peuple tourmenté,

Et la Loy sainte en totale ruyne,
Par autres loix toute la Chrestienté,
Quand d'or, d'argent trouue nouuelle mine.

افسوس از آنچه دیده می شود که مردم زیادی در آشوب و پریشانی افکنده می شوند،
و قانون پاک و مقدس به کلی ویران می شود،
بوسیله دیگر قوانین که کاملاً خوشبو شده ،
وقتی معدن طلا و نقره جدیدی پیدا می شود.

1-54

Deux revolts faits du malin falcigere
Du regne & siecles fait permutation,
Le mobil signe en son endroit s'ingere,
Aux deux esguax & inclination.

دو انقلاب انجام می شود از منحرف کردن نظر به چیز بدخیم،
برای قلمرو و پیوست شدن آنها عملی تحریف ساز و استحاله گر است،
نشانه قابل جابجایی در نقطه مورد مصرف جا می گیرد،
از دو مجرای جوهر مفهوم (آب) جوهر مفهوم تحریف و شیب داده می شود.

I 55

Soubz l'opposite climat Babylonique,

Grande sera de sang effusion,
Que terre & mer, air, Ciel sera inique,
Sectes, faim, regnes, pestes, confusion,

تحت نفوذ متضادیت آب و هوای دروازه خدایان ،

بزرگمرد از رنگ بد خیس می خورد،

چراکه بر علیه او میشوند نشانه های آرایش یافته کنار هم و محیط غیر منطقی و هوا و طرح شناسه دار
خاص ، گروهها و اشتیاق ، فرمانروایی (دجال) ، طعنه ها ، و گیج بودن مردم .

I 56

Vous verrez tost & tard faire grand change,
Horreurs extremes & vindications,
Que si la Lune conduite par son Ange,
Le ciel s'approche des inclinations.

I-56

شما زود و دیر خواهید دید شکل گرفتن تغییرات را،
بی نهایت ترسناک و ثابت شدن حق،
آنچه که ماه هدایت یافته در میان پیامرسانیهایش است،
طرح نشاندار خاص نزدیک میشود به درخور شدن.

I 57

Par grand discord la trombe tremblera,

Accord rompu, dressant la teste au ciel,
Bouche sanglante dans le snag nagera,
Au sol sa face oingte de laict & miel.

I-57

در میان غیر همساز بودن و ناجوری تصویر ذهنی ،دل را می لرزاند،
در پی یک چیز شکسته بسته ، فکر را در یک طرح با شناسه های خاص ،لباس می سازند،
دهان رنگ ساز، درون رنگ غوطه ور میسازد،
از الهه زر ، وجهش (وجهی که به آنها داده میشود) خوشبو میشود با حاجت و خوشایندی.

I 58

Trenché le ventre, naistra avec deux teste
Et quatre bras, quelques sna entiers viura
lour qui Malquilloye celebrera ses festes,
Fousssan, Thurin, chef Ferrare esuyura.

I-58

آنکه محفظه راز درونش چاک دار و برهنه است ، طبق دو تابلو فکری زاده می شود،
و ممانعت شده از کمک تا فرمها را تکمیل کند ، به زندگی ادامه می دهد،
زمانیکه فرد تزئین کننده خود نیکی و خوش دانستنش را جشن می گیرد،
تغییر معنای رازهای نهان بوسیله رهبر محکم کننده تزئین خود زدوده میشود.

I 59

Les Exilez deportez dans les isles :

Au changement d'un plus cruel Monarque

Seront murtris, & mis dans les scintilles,

Qui de parler ne feront pesté parques.

I-59

تبعید شده ها از خانواده (در حکومت دجال) بازگردانده میشوند به تهمت و بدگویی ها،

در تغییر فرمانروای مطلق ظالمترین (با حکمت مهدی دجال تغییر می کند به دجال بودن)،

شهید می شوند و در سوسو زدن گذاشته میشوند (شکنجه هاشان)،

برای اینکه در صحبت و سخنرانی (مهدی) طعن و داغی بشوند در قانون سرنوشت خدایان (دجال)

جزیره از ریشه جزر علاوه بر معنای عامیانه جزیره معنای تهمت و بدگویی را هم میشود استخراج کرد . (مثلا دابه الارض یا همان مهدی موعود در جزایر ارض جستجو می کند و اخبار بر علیه دجال جمع کرده همگی را به او نسبت می دهد یعنی در میان تهمت و بدگویی ها (به خودش - اطرافیانش - مردم) اخبار دجال را دنبال می کند و به دجال نسبت می دهد . در ضمن مهدی موعود را مظلومی دانسته اند که به (تبعید از خانواده اش است یعنی خانواده اش را از او دور کرده اند

I 60

Vn Empereur naistra pres d'Italie,

Qui à l'Empire sera vendu bien cher,

Diront avec quels gens il se ralie

Qu'on trouuera moins Prince que boucher.

I-60

یک امپراتور نزدیکی نشانه ها و تابلوها زاده میشود،

که در امپراتوری (امپراتوری دجال) فروخته میشود خیلی عزیزانه ،

می گویند با چه گروه و دسته ای می تواند گرد آید؟

زیرا اینطور یافته میشود که آن بیش از آنکه شاهزاده (که بعدا فرمانروای جهان بشود) بسازد تهمت و سخنچینی ساز است .

{قصاب = سخنچینی ساز _ شاهزاده اینجا کسی است که در آینده شاه جهان میشود یعنی مهدی موعود و مهدی موعود طبق روایت در ارض تهامه خروج می کند و تهمت و تهامه از یک خانواده هستند }

I 61

La republique miserable infelice,
Sera vastée du nouveau Magistrat,
Leur grand amas de l'exil malefice,
Fera Sueue rauir leur grand contract.

I-61

بدشگونی و بدبختی عمومی ،
گسترده می شود از قضائیه جدید،
توده انباشته شده آنها از بدیمنی جلای وطن ،
پی گیری می کند پیمان غارت بزرگشان را.

1-62

La grande perte, laslque feront les lettres,
Auant le cicle de Latona parfait :
Feu, grand deluge, plus par ignares fceptres,
Que de long siecle ne se verra refait.

I-62

چه خسارت بزرگی ، افسوس از آنچه آنها با کلمات و نامه ها می کنند،
قبل از اینکه در دوره دوم کاملاً بی نقص تکمیل شود،
رای و نشان ، جریان تند بزرگ ، بیشتر توسط فرمانروایان و مارک داران از بیخ ناآگاه،
چقدر به هم پیوستن (نشانه ها) زیاد و طولانی آمد و دیده نشد تا رای خود را بازسازی کنند.

I 63

Les fleaux passees diminué le monde,
Long-temps la paix, terres inhabitees.
Seur marchera par le ciel, terre, mer & onde,
Puis de nouveau les guerres suscitées.

I-63

طعنه ها می گذرد تقدیری ارزش (تقدیر دجال) رو به افول می گذارد،
زمان طولانی در صلح نشانه هایی که وقتی دورهم جمع میشوند زیباست ساکن شده میشوند،
مثل و ماندی طی مسیر می کند بوسیله طرح شناسه دار ، نشانه های آرایش یافته ، محیط حیرت، و
نوسازی ،
سپس از نو دعوای برانگیخته می شود.

I 64

De nuict soleil penseront avoir veu,
Quand le pourceau demy homme on verra,
Bruit, chant, bataille au Ciel battre apper ceu
Et bestes brutes à parler on orra.

I-64

از آنچه (در کلام خدا) نشانه ها راجع به شمس بر او بر می چسبد ، صحنه ای در ذهن آنها یاد میاید که
دارای آن دید شوند،
وقتی نیم انسانی، با گوشه چشم می بیند،
صدا ، آواز ، درگیری ، از بالای سقف کوبیدن و زدن حس میشود،
و حیوانات وحشی در صحبت کردن گوش می رسند.

1-65

Enfant sans mains, iamais veu si grand foudre

L'enfant Royal au ieu d'esteuf blessé :

Au puy brisez, fulgures allant moudre,

Trois sur les chaines par le milieu troussé.

I-65

زاده بدون انعام و احسان است, هرگز چنین آذرخشی دیده نشده ،

زاده پادشاهی در بازی پرهیاهو صدمه می خورد،

در بلندا شکسته میشود ، درخشیدنهایش با مانورهای جابجا کننده مالانده می شود،

جداکنندگی حق از باطل بر روی زنجیره کلام ، در میانه میدان بریده می شود،

I 66

Celui qui lors portera les nouuelles,

Apres vn peu il viendra respirer,

Viuiers, Tournon, Montferrant & Pradelles,

Gresle & tempeste, les fera sauspier.

I-66

او که اخبار و احادیث را ظاهر میساخت،

بعد از مدتی نفس چاق می کند،

محیط زنده سازی ، گردش و چرخش اطراف ، پوشش بالا رفتن و طرحها ،

اثبات حق و تند باد هیجانان ، آنها نفس راحتی می کشند.

I 67

La grand famine que ie sens approcher,
Souuent tourner puis estre vniuerselle,
Si grande & longue qu'on viendra arracher,
Du bois racine, & l'enfant de mamelle.

I-67

احساس می کنم اشتیاق و تشنگی بزرگی نزدیک میشود،
بارها می چرخد و بعد جهانی می شود ،
چنان بزرگ و طولانی که میایند برای ریشه کن کردن
بوستانها و زاده ها از منبع تغذیه.

I 68

O quel horrible & malheureux tourment !
Trois innocens qu'on viendra à liurer,
Poison suspecte, mal garde tradiment,
Mis en horreur par bourreaux enyurez

I-68

آه چه وحشتناک و شکنجه عذاب آوری،
درمیایند اندر باب تحویل سه بیگناه،
ظن به سم ، ترجمان با بدحفاظی،
در وحشت گذاشته میشوند بوسیله دژخیمان مست.

I- 69

La grand montagne ronde de sept estades,
Après paix, guerre, faim, inondation,
Roulera loing, abysmant grand contrades,
Mesmes antiques, & grand foundation.

I-69

قالب بزرگ احاطه کرده است، کشتن سرور بزرگ را بر اساس دروغ و سخنچینی ،
بعد از اینکه آرامش و ستیز و اشتیاق خیساند،
تضادهای بزرگ عمیق را لوله کرده دور می کند،
اینچنین طرح و دسیسه ای و زیر سازی بزرگی .

I 70

Pluye, faim, guerre, en Perse non cesse,
La foy trop grande trahyra le Monarque,
Par la finie en Gaule commence,
Secret augure pour à vn estre parque.

I-70

باران ؛ اشتیاق، ستیز، در ایران خاموش نمی شود،
اعتماد بسیار قوی (به قانون سرنوشت) به فرمانروای یگانه خیانت خواهد کرد،
با تکمیل شدن آنچه از قلاب ماهیگیری شروع شده بود،
فال و سرنوشت رمزی برای داشتن یک دعوی قضایی در سرنوشت خدایان.

I 71

La Tour Mariue trois fois prinse & reprinse

Par Espagnols, Barbares, ligurines,

Marseille & Aix, Arles par ceux de Pise

Vast, feu, fer, pille, Avignon des Thurins.

I-71

تور بیعقلانه سه بار گذاشته میشود و برداشته می شود،

توسط بندگان همدیگر را راندن ، وحشی ها ، باند بازها،

بنندگان الهه ستیز، زیبای آسمانی گونه ، دلالتان پول بگیر و معامله ببند در میان کسانیکه اهل چینه کشی هستند،

بی نهایتی نشان و رای، غارت، رازهای مخلوط.

I 72

Du tout Marseille des habitants changee

Course & pour fuitte iusques pres de Lyon.

Narbon, Tholoze par Bordeaux outragee,

Tuez, captifs, presque d'un million,

I-72

در تمام بندگان الهه ستیز ساکن و آرام بودن دستخوش تغییر می شود،

مسابقه دادن و حریف را از دور خارج کردن تا نزدیکی برتری و قدرت،

کسانیکه ماجرا را ختم بخیر می خواهند و سرور، تحت اثر مرداب توهین قرار می گیرند

کشتن، اسیران، تقریباً نزدیک یک میلیون.

I 73

France à cinq parts par neglect assaillie

Tunys, Argiels esmeuz par Persiens,

Leon, Seville, Barcelone faillie

N'aura la classe par les Venitiens.

I-73

فرد روراست و بی ریا با تمایز یافتن مورد هجوم واقع می شود،

الیه وحشت، زیانکار شدن توسط ایرانیان بذرافشانی می شود،

فرد غالب در دانایی، شیوه و طرح، سد کردن خیز طرح شاخص نارسا است،

کشتی نخواهد داشت در میان مردمی که علاقه به چیزهای دلپذیرشان دارند.

I 74

Apres seiourné vogueront en Epire

Le grand secours viendra vers Antioche,

Le noir poil cresp tendra fort à l'Empire

Barbe d'airain le rostira en broche.

I-74

بعد از مدتی مکث به اعتقاد و خوی سابق در امپراطوری باز می گردند،

یاری بزرگمرد، در سوی ضدیت با سلطه و تملک فرامیاید،

دم کسی را دیدن با بخشیدن سروری و سیادت به او در امپراطوری بسیار دلنشین است،

شباهت یافتگی زشت در سنجاق تزئینی برشته می کند.

I 75

Le tyran Siene occupera Sauone,
Le fort gagné tiendra classe marine,
Les deux armées par la marque d'Ancone
Par effrayeur le chef s'en examine.

I-75

وابستگان دیکتاتور جایگاه سختی رساندن و توبیخ را اشغال می کنند،
دژ با غارت برنده شو، سکان کشتی عدم تمرکز عقلی و غیر منطقی را بدست می گیرد،
نیروهای ممانعت گر بوسیله نشانه و مارک پذیرا شونده و مرافقت می خواهند مانع شوند،
رئیس ، (دجال) در میان هراس ، در آزمودن است.

I 76

D'un nom farouche tel proferé fera,
Que les trois Sœurs auront FATO le nom.
Puis peuple grand par langue & fait duira :
Plus que nul autre aura bruit & renom.

I-76

از یک مشخصات شناسایی زمخت و قوز و ناصواب اینچنین با گستاخی می گویند :این میشود،
چیزیکه کسانیکه از همانندی آن فال خوشایند از آن مشخصات داشته باشند سعی در حق نشان دادن آن
دارند،
سپس مردم زیادی ، چه با زبان و چه با عمل می گویند:
هیچ برتری از نظر بلندآوازی و اعتبار بر دیگران ندارد.

I 77

Entre deux mers dressera promontoire
Que puis mourra par le mors du cheual,
Le sien Neptune pliera voile noire,
Par Calpte & classe aupres de Rocheval.

I-77

در جلوگیری تفکر غیر عقلانی مردم لباس بزرگی و افزایی را می پوشد،
آنچه بعداً ، تحت ضربه خیالات واهی از بین می رود،
وابستگان الهه عدم تعقل و منطق، پرچم سروری و سیادت را دو لایه کرده مخفی میسازند،
بوسیله از راه مصنوعی بدست آوردن و ساختن کشتی نزدیک به باز تولید تجسمات و خیالات .

I 78

D'un Chef vieillard naistra sens hebeté,
Degenerant par sçavoir & par armes.
Le Chef de France par sa sœur redoubté.
Champs divisez, concedez aux gens gendarmes.

I-78

از یک سردمدار پیر احساسات غیر عقلانی زاده میشود،
در حال زوال تدریجی است ، بوسیله دانش و بوسیله نیروهای نظامی،
سردمدار صداقت و روراستی ، از میان شباهتها و همانندی اش تحت قرق ، از رشد باز داشته میشود ،
انشعاب کمپ ها، پذیرش و تن دادن دستجات نظامی .

I 79

Bazax, Lectore, Condon, Ausch, Agine,
Esmeus par loix, querelles & monopole,
Car Bourd, Thoulouse, Bay mettra enruyne
Renouueller voulant leur taupole.

I-79

با مشاهده مجموعه علائم ، خطا در محاسبه را فهمیدن ، سخنرانی دینی، چشم پوشی آه و گله و راه
ساده و راست و طبیعی رفتن ،
صدمه می بینند بوسیله قانونها ، ستیزه گریها، و ترک تازی یکنفره ،
چون رکاب زدن و پیش راندن ، لای چین پنهان کردن ،عشق بی اختیار در خرابات می گذارد،
تجدید خواهان هم فقط ترک تازی با کمانداری خود را می خواهند.

I 80

De la sixieme Claire splendeur celeste,
Viendra tonner si fort eu la Bourgongne :
Puis naistra monstre de tres-hydeuse beste,
MArs, Auril, May, luin, grand charpin & rongne.

I-80

از روشن و واضح شدن شکوه آسمانی بر اثر اعمال زشت بر افرادی،
طنین افکندنی قوی در سوی شکوهمندی،
سپس شبیح هیولایی جانور وحشی خیلی شنیع و ترسناک متولد می شود،
مارس، آوریل، می، ژوئن ، بپادارنده و جانور جونده

1-81

D'humain troupeau neuf seront mis à part :

De iugement & conseil separees,

Leur sort sera diuisé en depart,

Cap, Thita, Lambda morts, bannis esgarez,

I-81

گلّه های انسانی بطور گسترش یابنده ایی مجبور به جدا و دور شدن میشوند،

از قضاوت و پند و اندرز جدا می شوند،

سرنوشت آنها در جدا شدن تقسیم شده است،

نمایه آشکار جلورو، صدای ناقوس، همه و هرکس، مرگها، طلسم جادورا باطل کردن با منحرف کردن به آدرسی دیگر.

I 82

Quand colonnes de bois grande tremblee

D'auster conduite couuerte de rubriche,

Tant vuidera dehors vne assemblee,

Trembler Vienne & le pays d'Austriche.

وقتی ستونهای منظره سبز و بوستان بزرگ لرزانده میشود،

از منفی بافی و انکار خواسته های خود مجرای هدایت از تیترها پوشیده میشود،

مادامیکه یک جفت و جور سازی و برهم سوار کردن را در خارج خالی می سازد،

لرزیدن چیزهای دیگر آمدن و متدهای منفی بافی و انکار خواسته.

I 83

La gent estrange divisera butins
Saturne & Mars son regard furieux,
Horrible strage aux Toscans & Latins,
Grecs qui seront à frapper curieux.

گروه بیگانه غنیمتها را پخش و جدا می کند،
مظهر بذر افشانی و الهه ستیز با نگاه غیظ آلودش،
کشتار همگانی از جانب افراد وابسته به جوهر معنا و زبان سرنوشت و یادواره نگارین،
کسانیکه وابسته به مخلوط در پژوهیدگی هستند مشتاقانه منتظر ضربه زدن هستند.

I 84

Lune obscurcie aux profondex tenebres,
Son frere passe de couleur ferrugine :
Le grand caché long temps sous les tenebres,
Tiendra fer dans la playe sanguine.

I-84

ماه مبهم و ناروشن ، در ژرفنای تاریکی و نادانی مردم،
کسیکه قصد طالع برای خودش دارد از رنگ خشم آور ردیف کردنهایش می گذرد،
مخفی مانده نگاه داشتن بزرگ در زمان طولانی تحت تیرگی و نادانی،
برمی گیرد ردیف ساختن نشانه ها را در رنگین شدنی که زخم زنده است.

I 85

Par la response de Dame, Roy troublé,
Ambassadeurs mespriseront leur vie,
Le grand ses freres contrefera doublé,
Par deux mourront ire, haine, enuie.

I-85

عکس العمل حنیف و ناهمساز در برابر قانون بازی، پادشاه را دچار زحمت می کند،
پیامرسانیه‌ها زنده گی آنها را خوار می‌شمرد،
افراد بزرگتر جامعه که دنبال منافع خود در سرنوشت وابسته به او هستند کپی سازی تقلیدی اشان دوبل
میشود
با ممانعت ، می میرند از غضب و تنفر و کینه و حسادتشان.

(dame در شطرنج اصل آن فرزین بوده . فرزین یعنی حنیف و کجرو در مقابل قانون جادوی سرنوشت
دجال)

I 86

La grande Royné qaund se verra vaincue
Fera excez de masculin courage :
Sur cheual fleuve passera toute nué,
Suite par fer, à soy fera outrage.

I-86

ملکه بزرگ وقتی شکست خود را می بیند،
جرائت مردانه اش را افزون می کند،
سوار بر جریان خیال از سایه های شرعی اجازه می گذرد،

دنبال می کند رشته چینه را و با بالانس شدن فهم تخطی می کند (از قوانین دجال).

I 87

Ennosigée feu du centre de terre,

Fera trembler autour de Cité neufue :

Deux grands rochers long temps ferôt la guerre,

Puis Arethusa rougira nouveau Fleuve.

رای و نشان مایه دل آرامی از مرکز نشانه هایی که وقتی آرایش می گیرند زیبا بنظر می آیند،
اطراف قانون پاداش جدید را می لرزاند،
دو تکیه گاه محکم زمان طولانی لاف جنگ و فخر فروشی دارند،
سپس آره توسا جریان روشن جدید را گلگون میسازد.

I 88

Le divin mal surprendra le grand Prince,

un peu devant aura femme espousee:

Son puy & credit à vn coup viendra mince,

Conseil mourra pour la teste rasee.

I-88

بدی و شرّ موجود شبه خدا شاهزاده بزرگ را غافلگیر می کند،

مدتی کوتاه قبل از اینکه پوشش رنگی خود را داشته باشد،

شهرت نیک و اعتبارش در یک لحظه خرد و ناچیز میشود،

رای و نظرو قضاوتش خواهد مرد بخاطر اینکه تابلو فکری اش زدوده میشود.

{لازم به ذکر است که حدیث می گوید مهدی موعود قبل از قیامش (قیام بر علیه دجال و شرک جهانی او) می میرد و این مرگ مرگ جسمانی نیست بلکه مرگ شخصیت است }

I 89

Toust ceux de llerde seront dedans Moselle

Mettans à mort tous ceux de Loyre & Saine,

Secours marin viendra pres d'haute velle,

Quand l'Espagnol ouurira toute veine.

I-89

همه آنها که جلودار بودند وارد فاز درهمی و گيجی می شوند،

قراردادن در مرگ کسانی را که یاریگر در اتحاد بودند و طرز فکر سالم و بی نقص را قبول داشتند.

کمکهای فهم غیرمنطقی در عدم تمرکز هم میاید وقتی حس آنی بر مغز نشیننده به اوج می رسد،

وقتی است که بندگان شمس رگه بخت خود را باز می کنند.

I 90

Bourdeaux, Poitiers, au son de la campane,

A grande classe ira iusques à l'Angon,

Contre Gaulois sera leur tramontane,

Quand monstres hydeux naistra pres d'Orgon,

باتلاق و پناهگاه در سوی خودش زنگوله ای دارد،

یک کشتی بزرگ تا با نیزه میخدار شکار کردن می رود،

بر علیه وابستگان قلاب ماهیگیری قالب متضاد و مخالف آنها خواهد بود،

وقتی هیولای وحشتناک در مجزا شدن اندیشه زاده می شود.

I 91

Les Dieux feront aux humains apparence,
Ce qu'ils seront auteurs de grand conflit.
Auant ciel veu serain, espee & lance
Que vers main gauche sera plus grand afflict,

I-91

شبه خدایان، برای بشر آب و رنگ و ظاهر میسازند،
آنچه آنها را قادر میسازد نویسنده برخورد و نبرد بزرگ باشند،
پیشاپیش طرح شاخص، فرم دادگی و چیدمان و ردیف سازی بی سروصدا و آرام، دیده میشود،
چیزیکه در جهت انعام و زیبایی دادن کژ و ناراستین بیشترین گرفتاری و رنج را باعث میشود.

I 92

Sous vn la paix par tout sera clamee
Mais non long temps, pille & rebellion
Par refus, ville, terre & mer entamnee,
Morts & captifs, le tiers d'vn milion.

I-92

تحت هدف رفتار صلح آمیز و آرامش همگانی ساکت خواهد شد،
اما نه چندان طولانی ، چپاول و طغیان،
با زیر بارنرفتن ، دوباره بادبانها ، نشانه های آرایش گیرنده و محیط حیرت غیر منطقی شروع میشود،
مرگها و اسیران ، حق را تعیین کردن با جفت و جور کردن در اثر جفت و جور کردن او.

I 93

Terre Italique pres des monts tremblera,
Lyon & Coq; non trop confederez,
En lieu de peur, l'un l'autre s'aidera,
Seul Castulon & Celtes moderez.

I-93

نشانه های آرایش یافته در نزدیک قالبهای مختلف به جنبش در میاید،
بخاطر غالب شدن افراد و گرمی و لطافت، همراهی و هم پیمانی نمی کنند،
در میانه میدان ترس و بیم به یکدیگر کمک می کنند ،
فرمانده و نگاهدار در تنه است و کسانیکه رامی را می تراشند باعث کاهش و تعدیل اثر میشوند.

I 94

Au port Selin le tyran mis à mort,
La liberté non pourtant recouvree
Le nouveau Mars par vindicte & remort,
Dame par la foere de frayeur honoree.

I-94

از باب (برگزیدگی) ماه، دیکتاتور در مرگ گذاشته شده است،
و با این وضع، آزادی بازیابی (کلمه) نیست،
الهه جدید ستیز با گوشمالی برای بازپس گرفتن آنچه از دست داده و دوباره در مرگ گذاشتن،
فرد ناسازگار با قانون بازی در میان کاوش هراس آور ، دارای افتخار و احترام می شود.

I 95

Deuant monstier trouué enfant besson
D'heroicq sang de moyne vestutisque,
Son bruit par secte, langue & puissance son,
Qu'on dira soit efleué le Vopisque, Celuy.

I-95

در پیش از گردآوری کامل و کسب کردن ،زاده دوقلو یافت می شود،
از رنگ قهرمانانه و حماسی کسوت و هیئت راهب و روحانیتی ،
آوازه اش در رابطه با گروه و دسته ، زبان ، قدرت فوق العاده،
آنچه باعث می شود بگویند فقط اوست که باید برگزیده شایسته و سزاوار باشد.

{مهدی موعود با ظاهر و هیئتی که اصلا انتظارش را ندارند ظهور می کند و وقتی نشانه ها در کتب مقدس و اخبار جمع میشود بازهم در کنار او همان برگزیده و موعود در ذهنشان است مثل زاده دوقلو . ولی بتدریج با تکمیل قرآن و حجت بطور کامل شناخته میشود . حدیثی که می گوید " چگونه او بیاید و قومی نیامده است که مردم را به فرزند من می خواند ولی در دل از او (مهدی) بیزار است ". این نشان می دهد که موعود و امام مهدی آنها در ذهنیتی متفاوت ساخته شده است و در حقیقت در برهه ای از زمان دو مهدی در جلو چشم ذهن آنهاست . یکی مهدی واقعی و دیگری مهدی ذهنیت آنها.}

I 96

Celuy qu'aura la charge de destruire
Temples & sectes changees par fantasie,
Plus aux rochers qu'aux viuans viendra nuyre,
Par langue ornee d'oreilles ressaies.

I-96

اوکه مسئولیت انهدام (دجال وقوانینش) را پذیرا شده،
(نمی داند)معابد و دستجات بوسیله امواج خیال دگرگون شده اند،

بیش از آنکه رام بودن (در برابر دجال) را صدمه بزند به زندگان صدمه میزند،
بوسیله زبانی تزئینی (از طرف دجال یا همان خدایان) گوشها و شنیدن‌ها دوباره تسخیر و بازپس گرفته
میشود .

{او فکر می کند با علائم و دلایلی که در کتب مقدس دیده امپرواطوری شیطان نابود شدنی است ولی نمی
داند معابد و دستجات دارای تعصبات مذهبی هم عوض شده اند و دیگر آنچه سابق بود نیست همه چیز
تحت تاثیر امواج خیال (خیل شیطان) عوض شده . سخنان او به کسانی که تحت یک قالب خیال شیطان
زنده و شاداب شده اند صدمه می زند ولی رام بودن و بندگی شیطان تغییر می کند و گروهی دیگر در قالبی
دیگر تحت تاثیر امواج خیال شیطان جای آنها را میگیرند و سرزنده میشوند . چیزیکه صدمه نمیخورد بندگی و
رام بودن در برابر امواج خیال شیطان است . تازه آنچه هم بر علیه شیطان گفته است با زبانی تزئین شده
شیطان پس گرفته میشود و شیطان آنچه را از دست داده با نشخوار مطالب او و تزئین کردن دوباره سرجای
خود بر می گرداند و فهم و شنوایی مردم با دوباره تسخیر شدن به کنترل شیطان در میاید. }

I 97

Ce que fer, flamme, n'a sceu parachever,
La douce langue au conseil viendra faire
Par repos, songe, le Roy fera resuer,
Plus l'ennemy en feu, sang militaire.

I-97

آنچه که ردیف کردن و چینه در حالیکه بر روح مردم زبانه عذاب است نمی توانست مهر پایان و تکمیل
داشته باشد،

با زبانی دلنشین در سوی اندرز ، برای انجام شدن میاید،
در میان آرامش ، غنودگی ، پادشاه از خود ساطع کردن رویا را برون می دهد،
بهتر از اینکه دشمن در نشان و رای و رنگ نظامی گری بودن.

I 98

Le chef qu'aura conduit peuple infiny
Loing de son ciel, de mœurs & langue estrange
Cinq mil en Grete, & Thessale finy,
Le chef fuyant sauvé en la marine grange,

I-98

سالاری که هدایت بی نهایت مردمان را بعهده دارد،
دور از طرح شناسایی خودش (طرح طبیعی و حقیقی او در زندگی دنیایی) با متد و زبانی نا آشنا،
جفت و جور ی تمایز و سواسازی، تلائولو می کند تا در یک طرح، جفت و جور سازی شکلها را بی نقص فرم
می دهد کامل می کند،
رئیس گریز می زند و خود را در زراعت استنتاج غیرصحیح و عقلانی ، نجات می دهد.

I 99

Le grand Monarque qui fera compagnie,
Avec deux Roys vnis par amitié,
O quel soupir fera la grande menie,
Enfans Narbon à l'entour quel pitié

I-99

فرمانروای مطلقه ، کسی که همراهی می کند ،
با دو پادشاه با دوستی هم پیمان می شود ،
آه چه آهی می کشد هدایتگر بزرگ ،
زاده های داستان خوب و خوش سرانجامی در اطراف چه رقت بار.

I 100

Long temps au ciel sera veu gris oyseau,
Aupres de Dole & de Tosquane terre,
Tenant au bec vn verdoyant rameau
Mourra tost grand, & finira la guerre.

I-100

زمان طولانی در طرحی شاخص، سرنوشت مخلوط و خاکستری دیده می شود،
بعد از موضوع پول و نشانه های آرایش یافته برج نشینان ،
حاوی سخنچینی و غیبت در یک شاخه ای که سبز شده،
بزرگمرد ، خیلی زود می گذراند و دعوا را پایان می دهد.

VIII 25

Cœur de l'amant ouuert d'amour sertiue
Dans le ruisseau fera ravir la Dame,
Le demy mal contrefera lassiue,
Le pere à deux privera corps de l'ame.

دل ، به عشقی نهان به عاشق و مهرورز بازی می شود،
در طی جریان ،دل فرد حنیف را می رباید،
بطور نیمه بد با میمون بازی رابطه را خسته کننده میسازد،
پرورش دهنده (دجال) کالبد را از روح محروم میسازد .

,Si, France, passe outre mer Lygustique

,Tu te verra en isles & mers enclos

Mahomet contraire plus mer Hadriatique

.Cheuaux & d'asnes tu rongeras les os

ای رو راست ! اگر در محیط تحیر و عدم تمرکز که باند و گروه ساخته، بگذری به دیگر طرف،
 تو خواهی دید خود را محاصره در تهمت و دشنام در محیط تحیر و عدم تمرکز ،
 معنکردن ناسازگار کلام دو پهلوی حضرت محمد ، بیشتر از محیط غیرعقلانی تاریک ،
 خیالات و سرخ کنندگیها از خشم، بزرگی تو را خواهند جوید.